

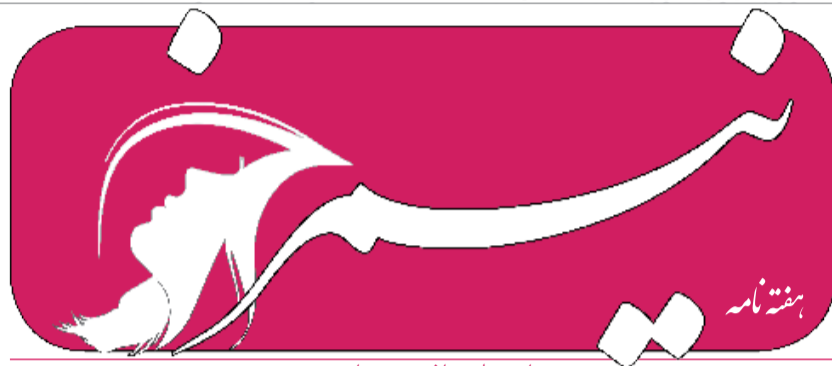


ناهید سرابی معین پالیسی وزرات
عدلیه جمهوری اسلامی افغانستان

زنان، بیشترین قربانیان...



سال دوم
شماره ۶۹
دوشنبه
۱۷ جدی ۱۳۹۷
قیمت ۱۰ افغانی
Monday
July 7, 2019
Vol. 2
No. 69



این جا، چراغی روشن است

طلاق و رهایی از ازدواج
پر خشونت شرم نیست؛
فرصت‌یست برای تجلیل و آغاز
دوباره.
دختران رابعه

فساد است که عدالت خرید و فروش می‌شود

فساد در درون دولت و نهادهای مجری قانون، دسترسی به عدالت سخت‌تر می‌کند. فساد باعث می‌شود که حتی مردم عدالت را بخرند و بفروشند.

جنبش‌های زنان

از درون سازمان‌های محیط زیستی در ایران



گوشه گوشه‌ی شهر برگزار می‌شد و پل لرزان و معلق برای ادامه‌ی حرکت جنبش زنان در دهه‌های بعد بود. زنان شرکت‌کننده در این محفل‌ها، اغلب از فعالان حقوق زنان، فعالان زن سیاسی که برخی از آنها به تازگی از زندان آزاد شده بودند و خانواده‌های زندانیان سیاسی

ادامه در صفحه ۲...

از سال‌های نخست دهه‌ی ۶۰ به بعد، تا پیش از یک دهه اثری از جنبش زنان در صحنه‌ی علنی و عمومی جامعه نبود. سرکوب گسترده‌ی نهادهای سیاسی و مدنی مخالف و منتقد حکومت پس از سال ۱۳۶۰، دامن جنبش زنان را نیز گرفت و منجر به توقف فعالیت گروه‌ها و نشریات زنان شد. فعالان زن نیز یا بازداشت شدند، یا کشور را ترک کردند و یا از دست دادن امکان فعالیت سیاسی-اجتماعی علنی و عمومی، برای بیش از یک دهه خانه‌نشین شدند.

در چنین شرایطی و در نبود هیچ امکانی برای سازماندهی دوباره‌ی فعالیت علنی مستقل از حکومت، برخی زنان جان به دربرده از بازداشت و اعدام و زندگی مخفی، به محافل دوستانه‌ی پناه بردند که اغلب بر اساس پیوندهای سیاسی ایجاد شده بود. این محافل در یک حرکت هماهنگ نشده و بدون هیچ‌گونه ارتباط و گاه اطلاع از هم، در

زن مستقل



تحلیل
کاظم یعقوب یسنا

مناسبات جامعه‌ی مردسالار با زنان بر اساس سلطه، تصاحب و تملک تعریف می‌شود؛ زنان از جمله‌ی ملکیت مردان است. ازدواج در جامعه مردسالار، انتخاب روابط زن با مرد نیست. نمی‌توان ازدواج را قراردادی بین یک زن و یک مرد دانست. ازدواج در واقع معامله بین دو مرد یا بین مردان است؛ آنچه که بین مردان معامله می‌شود، زن به عنوان یک متاع یا کالا است. زن در جلسه‌ی نکاح خود حضور ندارد. جلسه‌ی نکاح، جلسه‌ی مردانه است. در جلسه، دو مرد طرف معامله است؛ شوهر به عنوان خریدار، پدر به عنوان فروشنده. در این وسط، دختر جنس است.

این‌گونه مناسبات را چگونه باید تعریف کرد؟ چگونه به این‌گونه مناسبات از اختیار، آگاهی و انتخاب سخن گفت؟ زنان در این‌گونه مناسبات، هویت و استقلال ندارند. ادامه در صفحه ۲...

درست این است که انسان در روابط و مناسبات، انسان است. ارسطو گفته بود انسان تنها و مستقل یا خدا است یا دیوانه. بنابراین استقلال انسان در مناسبات اجتماعی تعریف‌شدنی است. اما این مناسبات و روابط در صورتی مناسبات و روابط است که افراد هویت خود را داشته‌باشند و بر اساس اختیار، آگاهی و انتخاب این روابط و مناسبات را برقرار کنند. در صورتی در برقراری این مناسبات و روابط، آگاهی، اختیار و انتخاب مطرح نباشد، بحث سلطه، تملک و تصاحب پیش می‌آید که بحث استقلال در روابط و مناسبات اجتماعی منتفی می‌شود.

زن مستقل

که زن کار نمی‌کند، زن کار می‌کند؛ اما کار زنان، اعتبار ندارد. کار وقتی اعتبار دارد که قیمت داشته‌باشد و موجب معامله شود. کار زن در جامعه‌ی مردسالار، قیمت ندارد و موجب معامله نمی‌شود. کار رایگان کار نیست. کار زن، کار رایگان است.

بنابراین در صورتی استقلال زنان می‌تواند مطرح شود که کار و شغل زن تعریف شود. زن وارد بازار کار شود. زن شغل داشته‌باشد. موقعی که زن شغل داشت، درآمد اقتصادی و مالی نخستین بستر استقلال زن را در خانواده فراهم می‌کند. زن دیگر از مردی (پدر، برادر، شوهر و...) پول نمی‌خواهد. دستش به کسی دراز نیست. می‌تواند طبق میلش لباس بخرد، غذا بخورد، زندگی کند و حتا در مقامی باشد که به دیگر اعضای خانواده پول بدهد.

این‌جا است که مناسبات در درون خانواده، عوض می‌شود. تحول مناسبات در درون خانواده به تحول مناسبات در جامعه می‌انجامد. زیرا عنصر اساسی در جامعه‌ی مردسالار، خانواده است نه افراد. خانواده تعدادی از افراد به‌خصوص زنان را به انقیاد کشانده است؛ تا مناسبات خانواده دچار تحول نشود، مناسبات در جامعه دچار تحول نمی‌شود. فرد به عنوان عنصر اساسی جامعه، اعتبار پیدا نمی‌کند. در صورتی که بستر اقتصادی خانواده و جامعه تغییر کند؛ این تغییر موجب تحول مناسبات اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و قانونی می‌تواند شود که به داشتن استقلال هویت زنان می‌انجامد.

بنابراین زمینه‌ی فرصت‌های مناسب باید برای زنان فراهم شود تا زنان تحصیل کنند، حرفه و مهارت یاد بگیرند، مجهز به توانایی‌ها و ظرفیت‌هایی شرایط کار شوند تا بتوانند در مناسبات و روابط اجتماعی، نقش‌آفرین و تاثیرگذار باشند. با خوب گفتن و با گفتن این‌که زنان فرشته است، جنس لطیف است و... وضعیت زنان بهتر نمی‌شود و تغییر نمی‌کند. زن موقعی صاحب فردیت، هویت، اعتبار، نام و احساس خود می‌شود که استقلال شغلی و درآمد اقتصادی داشته‌باشد؛ در غیر آن زن، مادر، خواهر، همسر و دختر خواهد ماند.

بدهد یا زن بخواهد طلاق بگیرد، آن فرزندان از مرد می‌شود. کار یک همسر این است که خدمت شوهر را کند، متاع جنسی شوهرش باشد و برای شوهرش بچه بزند. وظیفه‌ی خواهر نیز مشخص است که خدمت برادرش را کند. وظیفه‌ی دختر این است که در خدمت پدر و برادران باشد و طبق میل پدر و برادران با مردی ازدواج کند.

رویکردهای مردسالارانه باعث استقلال زنان نمی‌شود؛ هر رویکرد مردانه در حقیقت تداوم انقیاد زنان است. اگر بخواهیم از استقلال زنان صحبت کنیم باید از «کار»



زنان صحبت کنیم، زیرا انسان با کار خویش است که مناسبات خویش را با جامعه و جهان برقرار می‌کند. پدر که همیشه در خانواده، پدری می‌کند؛ چه در اختیار دارد؟ کار و اقتصاد خانواده را در اختیار دارد. هر کس که نان داد دیگران از او تابعیت می‌کنند. حتا اگر این نان دادن خیلی از روی مهربانی و محبت باشد، باز هم انقیاد را در پی دارد. هر کس که از فردی چیزی می‌گیرد، منت‌گذار و مدیون او می‌شود. منت‌گذاری به تابعیت می‌انجامد.

جامعه‌ی مردسالار در قدم نخست، زن را از کار خلع سلاح می‌کند. این خلع سلاح از کار به این معنا نیست

می‌توان از هویت و استقلال صحبت کرد که فرد هویت، اختیار و انتخاب مخصوص به خود داشته باشد و بتواند بنابه آگاهی با روابط خویش مناسبات اجتماعی را شکل بدهد و در شکل دادن مناسبات اجتماعی تاثیرگذار باشد. چگونه این مناسبات معنا دار و تاثیرگذار زنان در جامعه می‌تواند به وجود بیاید؟ چگونه زنان می‌توانند مناسبات جامعه‌ی مردسالار را به مناسبات جامعه‌ی مدرن (جامعه‌ای که مردسالار و پدرسالار نباشد) تبدیل کنند؟ تا خود زنان، نقش‌آفرین و بازیگر در مناسبات و روابط اجتماعی نشوند؛ مناسبات جامعه‌ی مردسالار تغییر نمی‌کند.

این‌که مردان در «روز زن» یا در مناسبت‌های مربوط به زنان درباره‌ی زنان سخن می‌گویند و می‌گویند زن

مادر است، زن خواهر است، زن دختر است، زن همسر است؛ این سخن‌ها در حقیقت، ایدئولوژی مردسالاری را در جامعه تاملین می‌کند و موجب انقیاد زنان می‌شود. زن مادر نیست، زن خواهر نیست، زن دختر نیست، زن همسر نیست؛ بلکه زن پیش از این القاب، زن است. یک فرد است که باید نام و هویت خود را داشته‌باشد. ما مردان در واقع با القاب بر سر زنان کلاه می‌گذاریم و زنان را با این القاب به بردگی می‌کشانیم. معلوم است که در جامعه‌ی مردسالار، کار یک مادر، تربیه‌ی فرزندان یک مرد است؛ در حالی که آن فرزندان از مادر نیست. آن فرزندان از پدر است. اگر مرد بخواهد زنش را طلاق

جنبش‌های زنان از درون سازمان‌های محیط زیستی در ایران

هدف اصلی این محفل‌ها، «ایجاد حاشیه‌ی امن روانی و همدلی‌های گروهی با یکدیگر» بود. به نوشته‌ی او با نزدیک شدن به دهه‌ی ۷۰ «فعالیت‌هایی که ترتیب منطقی مداوم تری داشت» در دستور کار محفل‌های زنان قرار گرفت، «نگاه نظری آنها به مسائل زنان و جنسیت عمیق‌تر شد» و بحث‌هایی همچون آسیب‌شناسی زنان، رابطه‌ی اسلام و فمینیسم، محیط زیست و بهداشت روانی در این محافل مطرح شد. برنامه‌هایی همچون بررسی کنفرانس جهانی زن-پکن، طرح مطالبات زنان در مقطع انتخابات مجلس ششم، و دعوت از حقوق‌دانان و پژوهشگرانی همچون مهرانگیز کار، شیرین عبادی و منصوره اتحادیه از دیگر برنامه‌های این محافل بود.

شیرین عبادی می‌گوید که خودش عضو هیچ‌کدام از این محفل‌ها نبود اما پس از پایان جنگ محفل‌هایی از طیف‌های فکری مختلف از او دعوت می‌کردند تا درباره‌ی مسائل حقوقی زنان صحبت کند. او می‌گوید به نظر می‌رسید شرکت‌کنندگان اطلاعات چندانی در مورد حقوق زنان نداشتند و به همین دلیل مسائل ابتدایی که در این زمینه مطرح می‌شد نیز مورد توجه‌شان قرار می‌گرفت.

خدیجه مقدم، از فعالان حقوق زنان، نیز برخی از فعالیت‌ها و برنامه‌های محفل‌های زنان را این‌طور شرح می‌دهد: «چیزهایی را که نمی‌شد هیچ‌جا بخوانی و ببینی در این محفل‌ها زن‌ها تعریف می‌کردند. ما حتما یک حقوق‌دان در جمع دعوت می‌کردیم و پیشرفتی که در مورد حقوق زنان در ایران وجود داشته از هشت مارس گذشته تا هشت مارس بعدی را مرور می‌کردیم. بعد شعر می‌خواندیم. همیشه سعی می‌کردیم که آن طراوت خودمان را حفظ کنیم و همیشه مجلس رقص و آواز هم داشتیم، نه به معنای پایکوبی. حتی گاهی من احساس می‌کردم که وقتی دارم با یکی می‌رقصم دارم، بهش لبخند می‌زنم، اشک‌مان دارد درمی‌آید؛ ولی با چنگ و دندان خودمان را حفظ کردیم.»

جایی برای شنیدن و خواندن ممنوعه‌ها زنان عضو این محفل‌ها، با انگیزه‌هایی متفاوت «از درد دل و دیدار و بالا بردن آگاهی گرفته تا بالا بردن



آگاهی فمینیستی و دست زدن به عملی به سود زنان و انجام کارهای پژوهشی در حوزه‌ی زنان» دور هم جمع می‌شدند. محبوبه عباسقلی‌زاده در تحقیقی درباره‌ی محافل زنان چپ‌گرا در دهه‌ی ۶۰، می‌گوید در سال‌های نخست

اما معمولاً محدود به کتابخوانی نمی‌ماند و طیف گسترده‌ای از فعالیت‌ها همچون نمایش فیلم، تبادل نظر درباره‌ی مسائل سیاسی و اجتماعی، دعوت و

گفت‌وگو با زنان نویسنده، سفرهای دسته‌جمعی و کوهنوردی، دیدار از نمایشگاه‌های نقاشی، برگزاری مراسم قمارملوک و زیری و فروغ فرخزاد بر سر مزارشان، نوشتن و انتشار مجموعه‌های مقالات در حوزه‌ی زنان را شامل می‌شد.

بودند. اما در میان آنها زنانی بدون پیشینه‌ی سیاسی نیز دیده می‌شدند. درباره‌ی چگونگی و زمان تشکیل اولین محفل‌های زنان، اتفاق نظری وجود ندارد. برخی، حمایت از خانواده‌های زندانیان سیاسی و اعدام‌شدگان را اولین انگیزه‌ی شکل‌گیری این محافل می‌دانند. برخی دیگر نیز، بزرگداشت روز جهانی زن در هشت مارس را مقدمه‌ی ایجاد محافل زنان عنوان می‌کنند.

شهین نوایی، از مؤسسان «اتحاد ملی زنان» در سال ۱۳۵۸ می‌گوید که یکی از نخستین محفل‌های زنان پس از توقف فعالیت‌های «اتحاد ملی زنان» در سال ۱۳۶۰، از سوی بخشی از زنان فعال در این گروه شکل گرفت که تا سال ۱۳۶۴ نیز ادامه داشت. با این حال چنان‌که او نیز تأکید دارد، به نظر می‌رسد شکل‌گیری این محفل‌ها براساس ابتکار فردی زنانی بوده که می‌خواستند به نوعی روابطشان را با هم حفظ کنند. زنانی که در سال‌های نخست دهه‌ی ۶۰ نه تنها امکان فعالیت سیاسی و اجتماعی نداشتند، بلکه بسیاری از آنها به دلیل پاکسازی‌های انقلابی از اشتغال و تحصیل محروم شده بودند و یا در حرفه‌هایی نامتناسب با تخصص و تحصیلات‌شان مشغول به کار بودند و حضور در این محافل اندک مجالی برای بازیابی هویت سیاسی و اجتماعی سرکوب شده‌شان بود.

بیشتر این جلسات با جمع‌های کوچک حداکثر ۱۰ نفره از زنانی شاغل یا خانه‌دار، اغلب تحصیل‌کرده و از طبقه‌ی متوسط شروع می‌شد. جلسات اغلب ماهانه‌ی این محفل‌ها به صورت گردشی در خانه‌ی اعضای آن برگزار می‌شد و اعضای آن معمولاً در گروه سنی حدود ۳۰ تا ۵۵ سال بودند. اما گاه زنان جوان‌تر نیز در این جلسات حضور داشتند.

قدم اول در شکل گرفتن اغلب این محافل، برگزاری جلسه‌های کتابخوانی و برنامه‌های مطالعاتی بود.



دکتر حسین احمدی

فساد است که عدالت خرید و فروش می شود

تا زمانی که محیط ورزش، کار و تحصیل و کل فضای کشور برای زنان مصون نباشد، جامعه به صلح و آرامش دست نخواهد یافت.

دیگری هم مشابه با طالبان فعالیت داشتند، اما براساس امضای معاهده‌ای با حکومت، ظاهراً صلح کردند. ولی مهم این است که ملت افغانستان، آنانی که دیدگاهشان، با رژیم مورد علاقه طالبان مخالف است، به چه میزان از این پروسه حمایت می کنند. اگر گفت‌وگوها به خاطر تامین صلح پایدار باشد باید مردم در آن اشتراک داشته باشند و حضور زنان و جوانان نیز گسترده باشد. حضور زنان، نه به معنای رنگین کردن مجلس‌های گفت‌وگو؛ بلکه حضور مؤثری که زنان در آن حق تصمیم‌گیری داشته باشند و شرایط شان را برای صلح مطرح بکنند. هم‌چنین در صلح اشتراک قربانیان الزامی است. حضور کسانی مهم است که در جنگ قربانی شدند و ارزش‌ها، سلامت جسمی، اعضای خانواده و امکانات زنده‌گی شان را از دست داده اند.

برای من به عنوان یک شهروند، صلح تنها به معنای قطع آتش جنگ نیست؛ بلکه صلح به معنای زنده‌گی با کرامت در سایه عدالت و برابری، به دور از هراس است. بنابراین خواهیم یا نخواهیم آتش جنگ باید خاموش شود و با گروه طالبان نیز صلح شود؛ اما طالبان نیز باید آموخته باشند که دین اسلام به پولیس نیاز ندارد که آنان خودشان را پولیس اسلام ساخته اند. طالبان باید از گذشته این درس را گرفته باشند که جنگ آنان هیچ برنده‌ای ندارد. سرمایه انسانی و مالی که در میدان جنگ به مصرف می‌رسد اگر در عرصه تعلیم و تربیه به مصرف برسد، افغانستان به مدت بسیار اندک شاهد انکشاف و توسعه‌ی سریع خواهد بود و اگر این هزینه در راستای عرضه خدمات اجتماعی، زیربنایی و صحتی پرداخت شود ما به زودی به خودکفایی خواهیم رسید. بنابراین طالبان باید با توجه به این مسایل صلح را بپذیرند و از قربانیان جنگ معذرت بخواهند؛ زیرا در جنگ کنونی هر دو جانب بازنده است.

● خانم دکتر، اگر صلحی در کار باشد بدون شک که بحث معافیت اعضای طالبان هم مطرح خواهد شد؛ اما در جنگ طالبان صدها هزار نفر کشته شدند و میلیون‌ها زن و کودک یتیم، آواره و مهاجر شدند که در واقع حق انسانی آنان سلب شده است. آیا کمیسیون حقوق بشر نگران این موضوع نیست یا فکر می‌کنید معذرت‌خواهی کاری را حل خواهد کرد؟

در بنگلادیش در سال‌های ۱۹۷۱ به بعد، جنگ صورت گرفت ولی در سال‌های اخیر افرادی که بالای ۹۰ سال سن داشتند هم به‌خاطر جرایم جنگی اعدام شده‌اند. من تاکید می‌کنم که طرفدار اعدام نیستیم؛ اما خانواده‌های که متضرر شدند و زنانی که در جریان جنگ بنگلادیش مورد تجاوز قرار گرفته اند، زخم شان با اجرای عدالت التیام می‌یابد. در افغانستان نیز در طی چهل و یک سال جنگ، با عنوان‌ها و اشکال مختلف قراردادهای و توافقاتی صورت گرفته ولی هیچ یک از این توافقات به شمول «توافق نامه بن» به صلح پایدار منتج نشده و عدالت تامین نشده است. اکنون هدف ما این است که به درد و رنج مردم اذعان صورت بگیرد تا مردم تشویق به انتقام‌گیری نشود. اگر پاسخ‌گویی را ما کاملن نفی بکنیم، مردم بالاچار به انتقام روی خواهند آورد ولی اگر افراد مجرم و ناقضان حقوق مردم شهامت داشته باشند که به خاطر عملکردشان از مردم معذرت بخواهند بدون شک که مردم هم طرفدار خون‌ریزی نیستند. بخشش نسبت به انتقام آسان تر است.

و در آخر، هم‌چنان که شما می‌دانید پرونده‌ای مبنی بر وجود فساد اخلاقی در فدراسیون ملی فوتبال باز شده است و تحت پیگرد دادستانی قرار دارد، هر چند حقیقت موضوع تاکنون ثابت نشده است، اما می‌خواهیم نظر شما را در این مورد داشته باشیم.

ما با هرگونه آزار و اذیت و تجاوز جنسی در مقابل زنان، کودکان و هر انسانی، مخالف هستیم. در افغانستان که یکی از خطرناک‌ترین کشورها برای زنان محسوب می‌شود، اگر این قضیه واقعیت داشته باشد باید توجه جدی صورت بگیرد. زیرا تا زمانی که محیط ورزش، کار و تحصیل و کل فضای کشور برای زنان مصون نباشد، جامعه به صلح و آرامش دست نخواهد یافت.

خارجی از کشورهای مختلف با طرز دید و هر کدام با فرماندهی مختلف حضور دارند. بنابراین تا زمانی که مردم از حضور خارجی‌ها راضی نباشند و از امکانات و سهولت‌های فراهم شده برای تضمین ثبات و تامین امنیت شان استفاده نکنند حضور و عدم حضور آنان هیچ تاثیری بر اوضاع کشور نخواهد داشت. از این رو، ما از کمک‌های بشردوستانه‌ی دولت‌های هم‌پیمان با افغانستان تشکر می‌کنیم ولی امیدواریم که خروج نیروهای ناتو و قطع شدن کمک‌های بشردوستانه‌ی شان تدریجی و در مناسبت با اوضاع افغانستان باشد.

● در امور داخلی، سال‌هاست که گفت‌وگوهای صلح جریان دارد و به تازه‌گی بر این پروسه تاکید زیاد و مصرف گزافی صورت می‌گیرد؛ اگر معاهده‌ی صلحی میان حکومت و گروه طالبان منعقد شود بدون شک که طالبان شریک

البته تقویت حکومت‌داری خوب اساس یک حکومت است. بنیاد یک دولت؛ حکومت، مردم و خطه‌ی جغرافیای آن است، اما تامین حقوق بشر بدون حکومت‌داری خوب در هیچ دولتی ممکن نیست ولو جغرافیا و مردم خوبی باشند. بدون شک ما در هر وهله‌ای نگران اوضاع حقوق بشری در کشور بودیم و در مورد آینده نیز نگران حقوق مردم هستیم؛ اما در هر صورت باید حکومت‌داری خوب تقویت شود تا حکومت افغانستان در وجود و عدم حضور خارجی‌ها توانایی حمایت از حقوق مردم را داشته باشد. اگر حکومت‌داری خوب در کشور نهادینه شود و دولت خدمات لازم را برای مردم ارائه کند، مخالفان مسلح و گروه‌های شورشی به انزوا کشانیده می‌شود. یعنی به هر اندازه که حکومت ما به ارزش‌های حقوق بشری پایند باشد به همان اندازه ما بر خشونت‌ها و تخطی‌های حقوق بشری فایز خواهیم آمد. به طور



نمونه: اگر زمینه کار آبرومندانه وجود داشته باشد و فقر در کشور کاهش یابد بدون شک که کشت و قاچاق مواد مخدر محو خواهد شد؛ زیرا بیش تر کارهای غیرقانونی نخواستگاری و از روی اجبار صورت می‌گیرد. در این مورد، تاکید می‌کنیم که ما مجبور هستیم روی پای خود ایستاد شویم و حکومت مکلف است که پلان درستی برای کاهش فقر، خودکفایی اقتصادی و ارتقای سطح تعلیم و تربیه طرح کند.

● اما در مورد تاثیر بودن و نبودن خارجی‌ها در کشور بر اوضاع حقوق بشری؟
فراوش نکنیم که نیروهای خارجی پس از سال ۲۰۰۱ میلادی در افغانستان، حدود ۱۴۰ هزار نفر بودند ولی اکنون رقم بسیار اندکی از این نیروها باقی مانده است. تمام افسران امریکایی که نصف نیروهای خارجی در کشور را تشکیل می‌دهند حدود ۱۴ هزار نفر هستند. خروج بخشی از این نیروها تاثیری بر اوضاع افغانستان نخواهد داشت. جای خوش‌بینی این است که افغانستان به سوی ثبات و توسعه در حرکت است. مردم افغانستان در هر موقعیت، ملزم به تامین امنیت خود است و در آخرین سنجش و وهله‌ی نهایی، باید خودشان مسوولیت خودشان را به عهده بگیرند. چه خارجی‌ها باشند یا نباشند، تا زمانی که مردم افغانستان به عنوان شهروندان سالم و متعهد مسوولیت نگیرند کشور از وضعیت کنونی خلاص نخواهد شد و بدون شک که آن‌زمان وضعیت حقوق بشر نیز نگران کننده خواهد بود. در زمانی که شوروی در افغانستان آمد، ۱۵۰ هزار سرباز روسی با یک فرماندهی در افغانستان می‌جنگیدند، اما صلح، امنیت و توسعه به وجود نیامد. اکنون که سربازان محدود

گفت‌وگو با دکتر سیما سمر رییس کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان

● در نخست سپاس از این‌که برای گفت‌وگو با نیم‌رخ وقت گذاشتید. دکتر صاحب، در ابتدا اگر بگویید که وضعیت حقوق بشری در افغانستان در سال ۲۰۱۸ میلادی چگونه بود؟

تشکر از شما. در سال ۲۰۱۸ میلادی وضعیت حقوق بشری در کشور تغییری زیادی نداشته است. اما در دو بخشی که می‌توانیم ادعا بکنیم که بهبودی حاصل شد، یکی در بخش آموزش‌دهی نیروهای امنیتی و دیگری کسب اعتبار و عضویت افغانستان در سازمان‌های بین‌المللی حقوق بشری بود. در برنامه آموزش‌دهی نیروهای امنیتی و به‌ویژه اردوی ملی، بیش از یک هزار و شش صد تن از افسران اردو در بخش حقوق بشری و حقوق بشردوستانه بین‌المللی آموزش دیدند. در این راستا، میزان شکنجه پایین آمده است. از آغاز سال ۱۳۹۷ خورشیدی تاکنون فقط ۷۶ قضیه شکنجه

در تمام توقیف‌خانه‌ها و زندان‌های کشور گزارش شده است. در سال ۲۰۱۸ میلادی افغانستان عضویت کمیسیون حقوق بشر ملل متحد را کسب کرد و به پروتکل اختیاری منع شکنجه نیز پیوست. براساس دادخواهی‌های کمیسیون حقوق بشر در کود جزا، بچه‌بازی نیز جرم‌انگاری شد. بچه‌بازی شاید از بین نرفته باشد ولی دیگر به صورت علنی صورت نمی‌گیرد. هم‌چنان در کود جزا جرایم اعدام محدود شده است. اکنون دیگر حکم اعدام تنها برای جرایم ضد امنیت داخلی، قاچاق بزرگ و تجاوز بر کودکان و چندین جرم بزرگ دیگر باقی مانده است.

● در متن جامعه، عمده‌ترین چالش‌های حقوق بشری چه است؟
نامنی، عدم حاکمیت قانون، عدم آگاهی مردم از حقوق شان، فقر و فساد از جمله عمده‌ترین چالش‌هایی است که در جامعه زمینه تداوم نقض حقوق بشر را فراهم کرده است. نامنی نه تنها به معنای شعله‌ور بودن آتش جنگ، بلکه وجود افراد زورمند و مسلح نیز یک معضل بزرگ است؛ چه مخالفان حکومت و چه موافقانی که ظاهراً با دولت اند، اما در مناطق تحت کنترل شان حقوق بشری مردم نقض می‌شود. مسئله‌ی دیگری که باعث نقض حقوق بشر در کشور می‌شود عدم حاکمیت قانون است که مجرمان نیز براساس فرهنگ معافیت به سزای اعمال شان نمی‌رسند. هرچند نسبت به سال‌های گذشته اوضاع بهتر شده است، اما عدم آگاهی مردم از حقوق شان نیز یک چالش جدی حقوق بشری محسوب می‌شود. خشونت‌های فامیلی را اگر توجه کنیم، نوع خشونت در جامعه قبول شده است که حتا کم‌تر از یک درصد این‌گونه خشونت‌ها به نهادهای عدلی و قضایی و اداره‌های حمایت از زنان و حقوق بشر گزارش نمی‌شود. در کنار این همه، فقر نیز مردم را از حقوق اساسی شان محروم می‌کند. غذا، لباس و سرپناه هم‌چنین کار و آموزش که ابتدایی‌ترین حقوق هر انسان است ولی در افغانستان اکثریت مردم به گونه مناسب و کافی به این حقوق شان دسترسی ندارند. فساد در درون دولت و نهادهای مجری قانون، دسترسی به عدالت را سخت‌تر می‌کند. فساد باعث می‌شود که حتا مردم عدالت را بخردند و بفروشند.

● شما به عنوان نهاد ناظر، عملکرد حکومت در برابر زورمندان را چگونه بررسی می‌کنید؟
هرچند در برابر افراد زورمند و مسلح که تخطی‌های قانونی و نقض حقوق بشر را مرتکب می‌شوند، اقداماتی انجام شده، اما بسیار نادر است. شمار اندکی از این افراد دستگیر و خلع سلاح شده اند ولی این عملکرد، عام نیست. تاکنون چالش‌های زیادی در این مورد باقی مانده است که حکومت باید روی بدانها رسیده‌گی کند.

● شما بهتر می‌دانید که ارزش‌های حقوق بشری و نظام دموکراسی طی هجده سال با کمک‌های مالی و نظامی خارجی روی پای استاده است. از یکسو قرارداد استراتژیک امریکا و افغانستان تا سال ۲۰۲۴ میلادی ختم می‌شود و از سوی دیگر فعلن خروج قسمی سربازان امریکایی مطرح شده است. وضعیت حقوق بشر در نبود حامیان خارجی دولت چه خواهد شد؟

زنان، بیشترین قربانیان جنسی قاچاقچیان انسان

اعضای بدن است. دو درصد از آنان نیز همزمان به چند شکل مورد سوءاستفاده قرار می‌گیرند.

قربانیان چه کسانی‌اند؟ متأسفانه جای تعجب ندارد که بسیاری از قربانیان تجارت انسان زنان (۴۹ درصد) و دختران (۲۳ درصد)‌اند. اکثریت بزرگی از آن‌ها با سوءاستفاده جنسی روبرو می‌شوند. اما مردان در اغلب موارد قربانی کار اجباری نمی‌شوند.

صندوق امداد کودکان ملل متحد (یونیسف) می‌گوید، ۲۸ درصد از قربانیان سوداگری انسان در سراسر جهان زیر سن قانونی بوده‌اند. به علاوه، افراد فقیر جوامع و پناهجویان نیز در زمره گروه‌های در معرض خطر قرار می‌گیرند.

چشم‌انداز مثبت؟ در گزارش سازمان ملل آمده که «تقریباً طبق قوانین هر کشوری در حال حاضر قاچاق انسان جرم به شمار می‌آید». با این حال در پاره‌ای مناطق هنوز هم بسیاری از قاچاقچیان با مجازات روبرو نمی‌شوند. به عنوان نمونه می‌توان به مناطق جنوب صحرای بزرگ آفریقا اشاره کرد که به بهبودی اساسی در اجرای قوانین موجود در مبارزه با قاچاق انسان نیاز دارند.

به گفته پلیس جنایی آلمان، در این کشور نیز مانند بسیاری از سایر نقاط دنیا شمار موارد سوداگری با انسان افزایش یافته است. اداره جنایی آلمان در ماه اوت سال گذشته اعلام کرد، در سال ۲۰۱۷ در آلمان ۶۷۱ نفر با سوءاستفاده جنسی روبرو شده یا به گدایی و کار اجباری واداشته شده‌اند. این آمار نسبت به یک سال پیش از آن ۲۵ درصد افزایش نشان می‌دهد. سازمان ملل از جامعه بین‌الملل خواسته است که این مشکل را بیش از پیش مد نظر قرار دهد، وجود آن را بپذیرد و برای مبارزه با سوداگران انسان در مناطق درگیر و همه جوامع همکاری کند.

داشته است. اشکال مختلف سوداگری انسان

در تعریفی که سازمان ملل از سوداگری انسان ارائه داده است، کسانی که در استخدام، نقل و انتقال، پناه دادن و اسکان یا پذیرش این افراد به منظور بهره‌کشی مشارکت می‌کنند نیز در این مقوله می‌گنجانند. این روند غالباً با «تهدید، استفاده از خشونت یا انواع دیگر زورگویی از طریق آدم‌ربایی، کلاهبردی، فریب، سوءاستفاده از قدرت یا استثمار افراد درمانده و بی‌پناه» همراه است.



سازمان ملل می‌گوید، حدود ۶۰ درصد از این قربانیان مورد سوء استفاده جنسی قرار می‌گیرند. به‌ویژه در آمریکا، اروپا و جنوب شرقی آسیا این شکل از بهره‌کشی غلبه دارد. یک‌سوم قربانیان باید تن به کار اجباری بدهند. پیش از همه در بخش‌های بزرگی از آفریقا و خاور میانه این شکل از استثمار رایج است. به گفته سازمان ملل، شکل دیگر قاچاق انسان استفاده اجباری از آن‌ها برای تکدی‌گری یا اهدای غیرقانونی

سازمان ملل متحد در گزارشی اعلام کرد، حدود ۶۰ درصد قربانیان قاچاق انسان از نظر جنسی مورد سوءاستفاده قرار گرفته‌اند. بیش‌تر این استثمارشدگان زن هستند. سازمان ملل همگان را در جهان به مبارزه با سوداگری انسان فرا خوانده است.

دفتر مبارزه با مواد مخدر و جنایت سازمان ملل متحد (UNODC) در وین در گزارشی از کشف روزافزون موارد قاچاق انسان سخن می‌گوید. طبق این گزارش، در سال ۲۰۱۶ حدود ۲۵ هزار نفر قربانی قاچاق انسان

کشف و گزارش داده شده است که نسبت به سال‌های پیش از آن افزایشی را فاحش نشان می‌دهد. سازمان ملل می‌گوید، اما یکی از دلایل افزایش آمار سوداگری انسان این است که در برخی مناطق جهان پیگرد قاچاقچیان انسان و کشف این موارد بهبود یافته است. مقایسه ۴۵ کشور جهان که به‌طور سازمان‌یافته آمار خود در این مورد را منتشر می‌کنند، نشان می‌دهد که از سال ۲۰۱۱ به بعد قاچاق انسان ۳۹ درصد افزایش



Nimrokh Weekly

سال دوم • شماره ۶۹ • دوشنبه ۱۷ جدی ۱۳۹۷
Monday • July 7, 2019
Vol. 2 • No. 69



خواننده‌گان عزیز نیمرخ بدون جهت‌گیری خاص سیاسی مقالات و نوشته‌ها را از صاحب‌نظران منتشر می‌کند.

صاحب امتیاز و مدیر مسوول: فاطمه روشنیان

سردبیر: ریحانه رها

گزارش‌گر: فرزانه احساس و حسین احمدی

عکاس: نجیبه نوری

صفحه‌آرا: اولیا عماد

زیر نظر هیئت تحریر

به جز روی کرد نیمرخ سایر نوشته‌ها مسوولیتش به دوش نویسنده‌گان می‌باشد.

هفته نامه نیمرخ در ویرایش مطالب دست باز دارد.

شماره تماس: ۰۷۹۸۸۹۸۸۹۴

آدرس الکترونیکی:

Nimrokhweekly7@gmail.com

نیروهای شجاع کماندو از میان بهترین سربازان انتخاب شده‌اند و آموزش‌های سختی را جهت انجام این وظیفه با ارزش برای محافظت از کشور، کسب کرده‌اند. هیچ وظیفه بالاتر از خدمت به هموطنان نیست.



د کومانډو زورور ځواکونه د غوره سرتیرو له مینځه ټاکل شوي او د هیواد د ساتنې په موخه یې د دغې ارزښتناکې دندې د ترسره کولو لپاره سخته روزنه ترلاسه کړې ده. د خپلو هېوادوالو له خدمت څخه بله لوړه دنده نشته.

پا ما پیوندید!

له مور سره پوځای شی!



به مراکز ویا تیم‌های سیار جلب و جذب اردوی ملی در ولایت‌های تان به ارتباط شوید و یا به شماره ۱۴۲ تماس بگیرید.

په خپلو ولایتونو کې د ملي اردو د جلب او جذب له مرکزونو او ګرځنده ډلو سره په اړیکه کې شی او یا ۱۴۲ شمېرې ته زنگ ووهئ!